

واکاوی عوامل و زمینه‌های همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

ابوالفضل زمانی^۱، محسن زمانی^۲

چکیده

از دید جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عوامل و عناصر جغرافیایی و به طور خاص مناطق جغرافیایی در رویدادها و فرایندهای سیاسی نقش دارند. یکی از این مناطق جغرافیایی خلیج فارس است که نقش بی بدیلی را در رویدادهای جهانی ایفاء می‌نماید. این منطقه بنا به علل مختلفی از جمله انرژی، گذرگاه‌های آبی و استراتژیک و لزوم برقراری امنیت آن برای قدرت‌های بزرگ، بازار مصرف و... از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار است. به طوری که می‌توان خلیج فارس را در سرآغاز هزاره سوم بین‌المللی‌ترین منطقه دنیا قلمداد کرد. در این زمینه ایجاد همگرایی در این منطقه ژئوپلیتیکی و افزایش زمینه‌های آن یکی از الزامات برای توسعه و پیشرفت در این منطقه ژئوپلیتیکی می‌باشد. که این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی این موضوع دارد که عوامل و زمینه‌های بالقوه و بالفعل همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس چه عواملی هستند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد مهمترین این عوامل شامل: مسائل زیست محیطی، عوامل ژئوکالچر، اشتراکات فرهنگی، عوامل اقتصادی، در اختیار داشتن ذخایر عظیم هیدروکربنی و منافع مشترک می‌باشد.

واژگان کلیدی: همگرایی، منطقه، منطقه ژئوپلیتیکی، خلیج فارس

۱- دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران

۲- دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی گرایش سازمان سیاسی فضا، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مقدمه

همگرایی در چارچوب فرهنگ علوم سیاسی به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن، جوامع از خواست و قدرت هدایت مستقل سیاست‌های عمده و اساسی خود چشم می‌پوشند و سعی می‌کنند به تصمیم‌های مشترک و هماهنگ دست یابند و تصمیم‌گیری را به نهادهای مرکزی تازه‌ای واگذار کنند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). در تعریفی دیگر از همگرایی آمده است: «همگرایی، درهم‌آمیزی ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک کشورها و ملت‌ها در مناطق گوناگون گیتی است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۶۹). منطقه یک اصطلاح جغرافیایی است که تعاریف و کاربردهای متنوعی برای آن ارائه شده است. علاوه بر کاربرد جغرافیایی، این واژه به صورت عمومی از سوی سیاستمداران، اقتصاددانان، برنامه ریزان و... مورد استفاده بوده و البته باید گفت که در بسیاری از موارد این واژه به صورت نادرست تعریف و مورد استفاده قرار گرفته است. موضوعات منطقه ای از دیدگاه سیاسی و ژئوپلیتیک بر اساس چگونگی تحلیل در سه سطح کلان، خرد و تلفیقی بررسی شده است. سطح خرد، مطالعات منطقه ای را حرکت از مسائل کلان سیاسی - امنیتی به مسائل اقتصادی و رفاه می‌بیند. از این دیدگاه، نیازهای اقتصادی بین کشورها، خیزشی در حرکت آنها و در گرایش بیشتر بازیگران به یکدیگر پدید می‌آورد. در نتیجه به دلیل نیاز و اهمیت یافتن مسأله رفاه، نوع بازی از حالت برد-باخت خارج و به بازی برد-برد یا باخت-باخت تبدیل می‌گردد و بازیگران مجبور به همکاری با یکدیگر می‌شوند و روابط مبتنی بر همکاری را شکل می‌دهند. نگرش تلفیقی، در تبیین مفهوم منطقه و ترسیم حدود آن؛ هم به عوامل و عناصر خرد و هم به عوامل و عناصر کلان توجه می‌نماید. از یک طرف به فرایندهای درون منطقه ای و ویژگی های بازیگران آن و از طرف دیگر به ساختارهای قدرت در نظام جهانی و تأثیر آن بر شکل‌گیری منطقه توجه می‌کند. در این راستا هدف و غایت این پژوهش را این امر شکل می‌دهد که چه عواملی سبب ایجاد همگرایی و نزدیکی بین کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی می‌باشد. و ماهیت آن کیفی است. یافته های تحقیق به شیوه کتابخانه ای و با استفاده از منابع معتبر در حوزه های علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل بدست آمده و تکمیل شده است.

ادبیات نظری

همگرایی^۱ و واگرایی^۲ منطقه‌ای

یکی از موضوعات و مباحث مهم در جغرافیای سیاسی، بحث همگرایی و واگرایی گروه‌های قومی و مذهبی می‌باشد. بحث همگرایی و واگرایی ناظر بر رفتار جمع‌گرایی و دوری‌گزینی کشورها و دولت‌ها نسبت به یکدیگر است. به فرآیند هم‌پیوستگی و همبستگی دولت‌های ملی «همگرایی» و به فرآیند جدایی و دورگزینی دولت‌های ملی نسبت به همدیگر «واگرایی» اطلاق می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۴). به مرور زمان روند برقراری همکاری میان گروه‌های انسانی، ابعاد گوناگونی را سپری کرده است؛ با گذشت زمان و تکامل فکری انسان، این روند نیز بهتر و بیشتر شده است. همگرایی و واگرایی میان انسان‌ها همیشه وجود داشته است، بطوریکه یکی بدون دیگری معنی و مفهوم پیدا نمی‌کند.

همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولتها و یا بازگران سیاسی می‌باشد. شکل‌گیری، بقا و یا سقوط فرآیند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولتها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارتی بازیگری که تن به شرکت در فرآیند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می‌دهد به این می‌انديشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می‌سازد. بنابراین فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازگران در پرتو شکل‌گیری آنها تشکیل می‌دهد. فرآیند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولتها، از احساس و درک هدف و منفعت مشترک و یا برعکس آن اهداف و منافع متعارض شروع می‌شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه پیدا می‌کند و نیروهای اصلی و یا کاتالیزور به تقویت روند کمک کرده تا فرآیند را کامل نمایند. این فرآیندها از حیث تجلی فضایی ممکن است در مقایسه‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی شکل بگیرند. مرحله پایانی فرآیندهای مزبور را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه، و یا برعکس تجزیه با پیامدهایی چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می‌دهد (محرابی، ۱۳۸۹: ۶). مفهوم همگرایی عمدتاً از سال ۱۹۴۵ میلادی در چارچوب منطقه‌گرایی در اروپای غربی مطرح شد و از دهه ۱۹۵۰ با آن برخورد جدی به عمل آمد. همگرایی را به بهترین وجه، به صورت یک فرآیند می‌باید تجزیه و تحلیل کرد، زیرا حرکتی در زمینه افزایش همکاری میان دولتها است، روند تدریجی انتقال اقتدار به نهادهای فوق ملی، گامی است در

1- Convergence

2- Divergence

راستای همگون سازی ارزش‌ها و بالاخره آن زمینه‌های لازم را، برای به وجود آوردن جامعه جهانی و اشکال جدید منطقه‌ای فراهم می‌سازد..

به عقیده بیشتر صاحب‌نظران در روند همگرایی بایستی تصمیم‌گیری از مراکز متعدد قبلی به سوی یک مرکز واحد سوق داده شود و بدین لحاظ می‌توان گفت، همگرایی فرآیندی است که طی آن دولت‌ها یا واحدهای سیاسی مستقل و جدا از هم بایستی به‌طور داوطلبانه و آگاهانه در این جهت حرکت نمایند و برای به حداکثر رساندن منافع خود از طریق همگرایی، حداقل از قسمتی از حاکمیت ملی و اعمال آن، جهت دستیابی به پاره‌ای از اهداف مشترک صرف نظر و حتی‌الامکان از عوامل اختلاف‌زایی چون وفاداری‌های افراطی ملی، احساسات شدید ناسیونالیستی، گرایش‌های سیاسی و پایبندی صرف به منافع ملی کاسته و با گسترش همکاری‌های مختلف فنی، تکنیکی، اقتصادی تجاری، فرهنگی و سیاسی زمینه‌ی ثبات و گرایش به سوی اتحاد میان کشورهای یک منطقه را فراهم آورند (شیخ حسنی، ۱۳۷۵: ۱۱۹). مقوله‌ی همگرایی گاه به‌عنوان یک فرآیند^۱ در نظر گرفته می‌شود که شامل کنش و واکنش‌ها و اقداماتی است که برای نیل به مرحله‌ی وحدت صورت می‌گیرد و گاه به‌عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی وحدت سیاسی است. از جمله کسانی که به موضوع همگرایی به‌عنوان یک وضعیت یا محصول نهایی نگاه می‌کند، آمیتای اتزیونی است که به عقیده وی، یک جامعه‌ی سیاسی تنها هنگامی وحدت دارد که عناصر و ابزار خشونت برای برقراری نظم و کنترل را در اختیار داشته باشد (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

نظریه همگرایی

همگرایی اساس شکل‌گیری جوامع بشری بوده و می‌توان ردپای آن را در نوشته‌های ارسطو و افلاطون و اگوستین قدیس و ابن خلدون و هگل دید. (کاظمی، ۱۳۷۰، ۲۳-۲۲). اما همگرایی به‌عنوان یک تئوری نخستین بار توسط دیوید میترا نی پژوهش‌گر انگلیسی در سال‌های بین دو جنگ جهانی مطرح شد.

طبق نظریه میترا نی، پیچیدگی روزافزون نهادهای حکومت از اهمیت کارشناسان سیاسی و سیاستمداران کاسته و در عوض کفه را به نفع کارشناسان فنی که با کارهای سیاسی سر و کار چندانی ندارند سنگین کرده. میترا نی برای توضیح نظریه خود از اصطلاح ریشه دواندن یا گسترش استفاده می‌کند. برای مثال همکاری در زمینه نفت ممکن است به همکاری در زمینه پتروشیمی، حفاظت محیط زیست و حمل و نقل دریایی منجر شود. میترا نی معتقد است که تقسیم جهان بین دولتهایی که منافع متضاد دارند تنها به بحران و جنگ می‌انجامد. به نظر وی ایجاد شبکه

1- Process

گسترده‌ای از سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی که زمینه‌ساز همگرایی بین‌المللی هستند بهترین راه برای مقابله با وضعیت بحران‌آمیز است. (Dougherty, 1971: 281) نظریه‌پردازان همگرایی بیشترین تأثیر را از نظریه کارکردگرایی پذیرفته‌اند. اندیشمندانی همچون تالکوت پارسونز، منازعه را یک عارضه غیرطبیعی قلمداد می‌کنند و معتقدند که وفاق چه در سیاست داخلی و چه در سیاست بین‌المللی باید جای تضاد را بگیرد، زیرا سیستم جوامع همچون سیستم ارگانیزم تنها از راه وفاق امکان سرپا ماندن را دارد (Chilcote, 1981: 173-174).

بنابراین نظریه‌پردازان همگرایی، دولت‌های ملی را عامل نزاع می‌بینند و معتقدند که رهایی از چهارچوب تنگ دولت‌های ملی و روی آوردن به جامعه بین‌المللی و همگرایی منطقه‌ای پیش درآمد صلح جهانی است. ارنست هاس همگرایی را پروسه‌ای می‌داند که در آن بازیگران سیاسی در کشورهای مختلف ترغیب می‌شوند وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی‌شان را به رکن جدیدی که نهادهایش اختیارات قانونی در دولت‌های ملی تشکیل دهنده آن داشته باشد یا خواهان آن اختیارات باشد تفویض کنند. (Dougherty, 1971: 281). البته نوکارکردگرایی نظیر هاس، دولت‌های ملی و منافع ملی را دست کم نمی‌گیرند، اما معتقدند هنگامی که دولت‌های ملی دریابند که منافع آنها در یک نوع اجتماع یا اتحادیه جدید بهتر تأمین می‌شود به چنین مرکزی روی می‌آورند. بعضی از این نظریه‌پردازان، همگرایی را به عنوان یک فرآیند و برخی آن را یک وضعیت و گروهی دیگر محصول نهایی وحدت سیاسی می‌دانند (Columbis, 1990: 298).

ارنست هاس با توجه به موقعیت جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا که باعث گسترش همکاری در زمینه‌های مختلف شد و سرانجام راه را برای تشکیل بازار مشترک اروپا باز کرد، از اصطلاح سرریز شدن استفاده می‌کند. سرریز شدن به معنای آن است که همکاری در یک رشته به همکاری در رشته‌های دیگر می‌انجامد. البته امیتای اتزیونی همگرایی را هنگامی کامل می‌داند که در آن جامعه سیاسی ایجاد شده حق انحصاری و مؤثر کاربرد ابزار خشونت را داشته باشد. اشتباه اتزیونی آن است که همگرایی را تنها در عالی‌ترین شکل آن یعنی در دولت فدرال مورد توجه قرار می‌دهد. برخلاف آنچه اتزیونی می‌گوید همگرایی ممکن است اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی باشد، به علاوه سازمان‌های منطقه‌ای نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت آفریقا و اتحادیه عرب سه سازمان عمده همگرا هستند اما حق کاربرد خشونت را ندارند.

مسئله‌ای را که درباره همگرایی باید مورد توجه قرار داد اختیاری بودن نوع رابطه‌ای است که واحدهای همگرا با یکدیگر برقرار می‌کنند و بازیگران به میل خویش و براساس شرایط مساوی به وحدت و همکاری با یکدیگر روی می‌آورند. تشکیل جمهوری متحده عرب (متشکل از مصر و سوریه) در سال ۱۹۵۸ به این علت شکست خورد که سوریه استقلال سیاسی و اقتصادی خود را

بدون دریافت امتیازی از جانب مصر از دست داد. به همین جهت نظامیان سوری در سال ۱۹۶۱ دست به کودتا زدند و جدایی کشور خود را از جمهوری متحده عرب اعلام کردند. برعکس، نظام‌های دولت‌های فدرال در سوئیس، ایالات متحده، استرالیا و آلمان بدان علت است که ایالاتی که تشکیل دولت فدرال را داده‌اند استقلال داخلی و هویت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خویش را حفظ کرده‌اند.

کارل دویچ در رابطه با همگرایی مسئله مهمی را مطرح می‌کند که بسیار گویاست به گفته دویچ ارتباطات نقش بزرگی در نزدیکی جوامع بازی می‌کنند، بنابراین هر چه ارتباطات در زمینه‌های حمل و نقل، توریسم، مراودات پستی، تجارت و مهاجرت بیشتر باشد، این جوامع بیشتر به هم نزدیک می‌شوند و به جای منازعه به همکاری روی می‌آورند و جوامع امنیتی را تشکیل می‌دهند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۳۸).

موقعیت و مشخصات جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس دریای نیم بسته ای است در جنوب غرب آسیا که در شبه جزیره عربستان شکاف ایجاد کرده است. از نظر موقعیت مطلق خلیج فارس در محدوده ۲۳ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه طول شرقی واقع شده است. تنگه هرمز نیز که از نظر جغرافیایی فضای بین دو خط فرضی که از دو نقطه رأس دبه و دماغه الکوه در دریای عمان و رأس الشام یا شیخ مسعود و جزیره هنگام در ابتدای خلیج فارس را به هم وصل می‌کند، آبراه بین المللی با ارزش استراتژیک بسیار زیاد است که جزء انگشت شمار تنگه های جهان به شمار می رود و طول آن در امتداد خط منصف ۱۸۷ کیلومتر است. (میرحیدر، ۱۳۶۶: ۷۳) عرض خلیج فارس بین ۱۸۵ تا ۳۳۳ کیلومتر (۱۰۰ تا ۱۸۰ گره دریایی) متغیر است و طول ساحل آن از دهانه فاو تا بندر عباس ۱۳۷۵ کیلومتر می باشد. عمق آن به ندرت از ۷۳/۲ تا ۹۱/۵ متر تجاوز می کند و عمق متوسط آن بین ۲۵ تا ۳۵ متر است که در دهانه تنگه هرمز به بیش از ۱۰۰ متر می رسد. به همین دلیل تمام خلیج فارس تشکیل یک فلات قاره را می دهد. خلیج فارس ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد و ۰/۶۲٪ آبهای سطح کره زمین را شامل می شود. خط القعر ناودیس خلیج فارس نزدیک سواحل ایران است که پس از عبور از مابین جزایر «تنب» و «فارو» در منطقه تنگه هرمز به سمت ساحل شبه جزیره «المسندم» کشیده می شود (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۶ و ۱۷)

آبهای خلیج فارس از سایر دریاهای جهان شورتر است، چون آب رودهای آن نمک و املاح دارد و میزان تبخیر آن نیز بیش از آب دریافتی از باران و رودخانه ها است. میزان نمک در خلیج فارس بین ۳۸ تا ۷۰ در هزار و در مناطق کم عمل بین ۶۰ - ۲۰۰ در هزار اندازه گیری شده است. خلیج

فارس به علت عمق کم، شوری آب، گرمی هوا، قرار گرفتن در منطقه گرم و خشک به لحاظ آب و هوایی، ارتباط محدود با آب های آزاد جهان و عدم وجود جریان های دریایی قدرتمند اکوسیستم ویژه ای دارد که آن را بسیار آسیب پذیر نموده است. (ریبیعی، ۱۳۸۸: ۲۶) به لحاظ گونه های گیاهی مختلف این منطقه قابل توجه زیست شناسان بوده است. در محدوده خلیج فارس بیش از ۶۰۰ گونه جانوران آبی در بین علف های دریایی شناخته شده است تنوع رنگ و زیبایی آبسنگ های مرجانی^۱ این خلیج موجب جلب غواصان و حیرت آنان نسبت به محیط دریایی این منطقه شده است به طوری که این منطقه را جواهر دریایی لقب داده اند. به لحاظ منابع زنده نیز خلیج فارس محیط ویژه با انواع مختلف جانداران است. در محدوده خلیج فارس بیش از ۵۰۰ گونه ماهی وجود دارد که در سطح و عمق این دریا زندگی می کنند. (وضعیت محیط زیست دریایی خلیج فارس (محدوده دریایی راپمی) (۱۳۸۲: ۷۵-۸۰).

یافته های تحقیق

اهمیت موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

مجموعه ارزشهای خلیج فارس قدرت های جهانی را در گذشته و امروز متوجه خلیج فارس کرده است، زیرا تسلط بر تمام یا هر یک از موارد مذکور، موازنه استراتژیک و موازنه قدرت را در جهان تغییر می دهد، و این اهمیت از سوی رهبران سیاسی و یا صاحب نظران مسائل استراتژیک، دقیقاً درک شده است، به عنوان نمونه آرنولد ویلسون^۲ می نویسد: «هیچ دریای دیگری نیست که بیش از خلیج فارس توجه علمای معرفت الارض و متخصصین و مورخین و جغرافیانویسان و سیاستمداران و جنگجویان را مشترکاً به خود معطوف ساخته باشد. (مجتهدزاده، ۱۰) لرد کروزن نایب السلطنه انگلستان در هند و وزیر امور خارجه آن کشور می نویسد:

«من واگذاری یک بندر را در خلیج فارس به روسیه یا به وسیله هر قدرتی که باشد، به مثل دشنام به انگلستان و به منزله گرایش به نابود کردن وضع موجود؛ به مانند تحریک عمد به جنگ دانسته، وزیر بریتانیا را مقصر می دانم و اگر چنین بخششی را بپذیرد، او را متهم به خیانت به کشورش می کنم.» (روادالا، ۱۳۶۴: ۸۲)

دولت آمریکا که به عنوان قدرت نوظهور، از سال ۱۹۷۱ به بعد جایگزین انگلستان در خلیج فارس شده، بارها به شکل های مختلفی درباره اهمیت خلیج فارس اظهار نظر کرده است. دیوید نیوسام^۳،

1 - Coral reefs

2 - Arnold Wilson

3 - David, D. Newsom

معاون وزیر امور خارجه ی (وقت) آمریکا، در سال ۱۹۸۰ در یک سخنرانی در دانشگاه «جرج تاون» چنین گفت: اگر جهان دایره ی مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین می توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است... امروزه جایی در جهان به اهمیت این منطقه وجود ندارد که تمامی توجهات را به یک نقطه و با علایقی یک دست، همسان کند. در حال حاضر، برای ادامه ی سلامت اقتصادی و ثبات جهان، جایی به اهمیت این مرکز وجود ندارد. (ربیعی، ۱۳۸۸: ۲۸)

آمریکا همواره خلیج فارس را بخشی از استراتژی امنیت ملی خود می داند و با حضور سیاسی و نظامی و اقتصادی خود دائماً مراقب حفظ حضور و کنترل خود بر خلیج فارس می باشد. استراتژی دو ستونی نیکسون، دکترین حقوق بشرکارتر، تشکیل نیروی واکنش سریع آن در زمان ریگان و نیز حضور فزاینده نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه در جریان جنگهای اول و دوم خلیج فارس، نموده‌های عملی این استراتژیهاست. ریچارد نیکسون رئیس جمهوری سابق آمریکا در کتاب «جنگ واقعی، صلح واقعی» می نویسد: «خاورمیانه از دیرباز چهار راه آسیا، آفریقا و اروپا بوده است، اکنون نفت خون صنعت مدرن است؛ در منطقه، خلیج فارس قلبی است که این خون را مانند تلمبه به جریان می اندازد و راه های دریایی پیرامون خلیج فارس شریانهایی هستند که این خون حیاتی از آنها می گذرد.

در مورد دلیل موقعیت ویژه خلیج فارس نظریات گوناگونی مطرح بوده است. مدت ها علت این توجه خاص را اهمیت تجارتي و وجود هندوستان به عنوان پایگاه شرقی یکی از امپراتوری های بزرگ دنیا (بریتانیا) می دانستند. بعد از جنگ جهانی دوم و با استقلال هند در سال ۱۹۴۸، نظریه حفظ خلیج فارس به عنوان دروازه هندوستان اهمیت خود را از دست داد. (وئوئی، ۱۳۸۴ : ۵۳۶) در کنار آن و در قرن بیستم تعداد بسیار زیادی از پژوهشگران نفت را علت برتری موقعیت خلیج فارس می دانستند. با شکل گیری کشور اسرائیل مناقشات جدید عربی-اسلامی علیه اسرائیل بوجود آمد و ترکیب این مسائل با همدیگر جنبه های جدیدتری از اهمیت خلیج فارس را به موارد پیشین افزود. در دهه ۱۹۷۰، برژینسکی مشاور امور امنیتی «جیمی کارتر»، با اشاره به اهمیت ویژه خلیج فارس، آنرا را مانند زه مرتعش کماتی تعریف کرد که تا انتها کشیده شده و آماده است تیری کشنده به جهان پرتاب کند و نه تنها خود این منطقه بلکه کانونهای پیرامون آن نیز ممکن است هر لحظه مشتعل شده دو ابرقدرت را به هیجان آورد. (دلاژ، الیویه، گریزیک، ۱۳۶۶ : ۳) اگر از این دیدگاه منطقه خلیج فارس را مورد بررسی قرار دهیم، این منطقه اهمیتی جهانی می یابد که امنیت جهان به آن وابسته است. از سوی دیگر خلیج فارس برای کشورهای پیرامون آن نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. علاوه بر منابع انرژی موجود در بستر این دریا، به لحاظ نظامی نیز کنترل این منطقه و جزایر فراوان آن می تواند نقش بسیار مهمی در تأمین امنیت کشورهای ساحلی آن داشته باشد. به عنوان مثال جزایر، هرمز، هنگام، قشم، لارک، تنب

بزرگ و ابوموسی از جمله جزایر بسیار با اهمیت برای ایران هستند که استراتژی همیشگی ایران بهره‌گیری از ارزش استراتژیک آنهاست. هر چند مدت هاست که برای عبور نفت از خلیج فارس خطوط لوله‌ای در داخل سرزمین عربستان احداث شده است با این حال وابستگی همه کشورهای ساحلی به خلیج فارس موضوعی کاملاً آشکار است.

عمده‌ترین دلیل اهمیت خلیج فارس به وجود ذخایر عظیم گازی و نفتی در این منطقه باز می‌گردد، عبور روزانه در حدود ۱۷ میلیون بشکه از ذخایر آن از طریق تنگه هرمز (معادل یک پنجم تقاضای جهانی) و وابستگی قدرت‌های بزرگ جهانی در شرق و غرب جهان جایگاه بسیار مهم تنگه هرمز را نشان می‌دهد. تنگه هرمز باریکه دریایی خمیده‌شکلی است که در منتهی‌الیه شرقی خلیج فارس واقع شده است و فلات ایران را از شبه جزیره عربستان جدا می‌کند. تنگ‌ترین معبر خلیج فارس در این تنگه دارای ۶۹/۴۶ کیلومتر پهنا است و کوتاه‌ترین فاصله بین ساحل شمالی و جنوبی، بین: «جزیره ایرانی لارک در شمال و جزیره عمانی (قوین بزرگ) در جنوب تنگه هرمز» ۳۹ کیلومتر برابر با ۲۱ مایل است که آب‌های کرانه‌ای ۱۲ مایلی دو کشور در آن تداخل می‌یابد. کشور ایران با توجه به وجود جزایر ایرانی در میانه تنگه هرمز و محاسبه خط کرانه‌های همه جزایر ایرانی و عمانی طبق قرارداد مرزی ایران و عمان در مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۴ «که از تاریخ ۲۸ مه ۱۹۷۵ به اجرا درآمده است» دارای مالکیت سیاسی و جغرافیایی در قسمت اعظم این تنگه است. کشورهای منطقه از جمله عربستان سعودی و عراق جهت کاهش وابستگی به تنگه هرمز طرح احداث خط لوله‌هایی برای انتقال نفت از مناطق نفت‌خیز خود به سواحل مدیترانه و دریای سرخ اجرا کرده‌اند مانند طرح خط لوله نفتی به طول ۱۲۸۷ کیلومتر از منطقه احسا و قطیف عربستان که با حداکثر ظرفیتی برابر ۳ تا ۸/۱ میلیون بشکه در روز، نفت این کشور را به ساحل دریای سرخ می‌رساند را اجرا کرده‌اند. اما این طرح‌ها در بهترین حالت بیش از ۵ میلیون بشکه نفت را انتقال نداده‌اند و این میزان هیچگاه نتوانسته اهمیت استراتژیک تنگه هرمز را کاهش داده یا مصرف‌کنندگان جهانی را از این آبراه بی‌نیاز کند (ریبی، ۱۳۸۸: ۳۰).

به طور کلی عوامل ایجادکننده همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را میتوان موارد زیر دانست که شامل:

-مسائل زیست محیطی

وضعیت محیط ساحلی و دریایی در تمامی مناطق متأثر از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و شرایط امنیتی در جوامع انسانی است. در منطقه خلیج فارس، ورود انواع آلاینده‌های ناشی از توسعه صنعتی که مهم‌ترین آن مربوط به فعالیت‌های نفت، گاز و پتروشیمی و سایر صنایع در منطقه می‌باشد؛ پساب‌های خانگی، کشاورزی و شرایط نامطلوب رودخانه‌ها، تغییرات فیزیکی در

سواحل و توسعه آن، بهره برداری بیش از حد و نامطلوب از منابع زنده و غیر زنده دریایی، حمل و نقل و تردد دریایی، خطوط لوله نفت، وجود چند جنگ منطقه‌ای و به آتش کشیده شدن چاه های نفت منطقه و موارد بسیار متعدد دیگر، شرایط زیست محیطی خلیج فارس را به حد غیر قابل قبولی تنزل داده و زنگ های خطر را در این منطقه به صدا درآورده است.

آلودگی زیست محیطی یکی از چالش‌های مهم در این پهنه آبی می باشد. چرا که ۶۰ درصد از ذخایر نفت جهان در خلیج فارس است، احداث سکوهای نفتی و مجتمع‌ها و پالایشگاه‌ها در اطراف خلیج فارس و ورود نفت، مواد شیمیایی و پساب‌ها به داخل آب از عوامل مهم این آلودگی می‌باشند.

همچنین عبور سالانه بیش از ۱۰ هزار شناور از خلیج فارس و دریای عمان که ۷۵ درصد آن‌ها به حمل و نقل نفت خام و محصولات نفتی مربوط است و در پی آن تخلیه مواد زائد مختلف مانند آب شستشوی موتور، فاضلاب، آب توازن کشتی و بسیاری موارد دیگر، سبب بروز مداوم انواع آلودگی‌ها در منطقه می‌شود که اثرات قابل توجهی بر محیط زیست دارد. طبق مطالعات انجام شده سالانه در حدود یک و نیم میلیون تن نفت به خلیج فارس نشت می‌کند و به همین علت سازمان بین المللی دریانوردی (IMO)، این منطقه را در سال ۲۰۰۷ م. به عنوان منطقه ویژه دریایی اعلام کرد. طبق آمارها میزان آلودگی این منطقه بیشتر از حد متوسط بین المللی است. همه عوامل مذکور در کنار بسیاری دیگر از عوامل داخلی و حتی فرامنطقه‌ای از قبیل آلودگیهای ناشی از گرد و غبار و ریزدانه ها، که در مواردی بخش های بزرگی از کشورهای منطقه را با چالش های جدی مواجه می سازد، نشان از همکاری خیلی کم کشورها در زمینه محیط زیست در منطقه خلیج فارس می باشد. اگر چه پیمانهای منطقه‌ای در بعد محیط زیست بین کشورهای هم مرز خلیج فارس شکل گرفته است، اما تا کنون این پیمان ها به دلیل عدم وجود یک عزم راسخ از سوی کشورها و متولیان، به نتایج مطلوبی نرسیده است.

یکی از این پیمان ها، کنوانسیون کویت می باشد. در این کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته شده که فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود را در سرزمین های خود طوری تنظیم کنند که موجبات آلودگی محیط زیست دریایی حوزه را فراهم نکند. این در حالی است که شرایط فعلی خلیج فارس نشان می دهد که این کنوانسیون نتوانسته است به حداقل محورهای مورد نظر دست یابد.

جمهوری اسلامی ایران نیز که مالک نیمی از سواحل خلیج فارس می باشد، تلاش زیادی برای توسعه بیشتر شهرهای جنوبی کشور با رویکرد گردشگری و توریسم نموده است. برای مثال جزیره کیش با بیش از ۸۲۰۰ تخت اقامتی، بیشترین تراکم امکانات اقامتی در ایران را داراست. موقعیت منطقه آزاد اقتصادی و عدم نیاز به اخذ ویزای ورود برای کلیه اتباع خارجی، سبب شده این جزیره سالانه پذیرای بیش از یک میلیون نفر گردشگر خارجی و داخلی باشد. در آینده صنعت توریسم و

مبادلات اقتصادی در این منطقه می‌تواند به عنوان یک جایگزین مهم برای نقش فعلی اقتصادی خلیج فارس مطرح گردد. اما آنچه این چشم انداز را با چالش مواجه می‌سازد، نگاه حاکم به برداشت منابع در این منطقه می‌باشد. در نبود شکل‌گیری یک پیمان قوی منطقه‌ای، کشورهای منطقه در تلاش هستند، بیشترین برداشت منابع و به تبع آن بیشترین سود را برای خود، بدون توجه به آسیب‌های زیست‌محیطی بوجود آمده، به دست آورند. که این امر به صورت روشن و بدیهی در تناقض با تلاش کشورهای منطقه در جهت ایجاد زیرساخت‌های عظیم گردشگری و آینده روشن این منطقه دریایی می‌باشد. هیچ‌یک از کشورهای منطقه نمی‌تواند به تنهایی بر این مشکل غلبه کند و می‌توان گفت منافع تمام کشورها در این حوزه به همدیگر گره خورده است. اگر چه کشورهای منطقه تمایلی به همکاری در بسیاری از مسائل، از خود نشان نمی‌دهند، اما محیط زیست و مسائل مربوط به آن یکی از بهترین زمینه‌های همگرایی می‌باشد. این بخش به پیدایش و افزایش نهادهای همکاری بین‌المللی و در نتیجه به پیدایش همکاریها و همگراییها می‌انجامد. لذا همکاری مشترک زیست‌محیطی در این حوزه می‌تواند ضمن فراهم کردن زمینه همکاری‌های منطقه‌ای بین دولت‌های خلیج فارس در همه عرصه‌ها؛ گامی در جهت رفع چالش‌های زیست‌محیطی این منطقه باشد. (پورموسوی، ۱۳۹۱: ۳-۹)

خلیج فارس از نظر زیست‌محیطی یک اکوسیستم به شمار می‌آید، به طوری که هرگونه تغییر یا دگرگونی در عناصر آن کل سیستم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل زیر محیط زیست را که از آن به عنوان دارایی مشترک جهانی یاد می‌شود، تهدید می‌نمایند:

- جنگل‌زدایی و فرسایش خاک

- تبه‌سازی مراتع

- تهی‌سازی منابع ماهی

- آلودگی آب و هوا

با نگاهی اجمالی می‌توان دریافت که تقریباً هر چهار مورد تهدید در منطقه خلیج فارس وجود دارد. هنگامی که سخن از محیط زیست خلیج فارس به میان می‌آید نباید فراموش کرد که این دریای نیمه بسته دارای یکی از حساس‌ترین اکوسیستم‌های جهان است. در طول تاریخ، خلیج فارس منبع اصلی درآمد بسیاری از مردم منطقه بوده است. ماهی‌گیری، کشتی‌رانی و صید مروارید جزء مهم‌ترین فعالیت‌های بازرگانی در منطقه محسوب می‌گردد. آلودگی محیط زیست این منطقه بسیاری از این فعالیت‌ها را به مخاطره انداخته است. استخراج نفت و حمل و نقل این ماده، مقدار زیادی از هیدروکربن‌های نفتی را که به طور متوسط بین ۶ تا ۱۰ میلیون تن تخمین زده می‌شود به اکوسیستم منطقه وارد نموده است.

علاوه بر مواد نفتی، دو جنگ اخیر خلیج فارس، خسارات زیاد و غیرقابل جبرانی را به محیط زیست خلیج فارس وارد نموده است. در سال ۱۹۹۱، با وقوع جنگ عراق و کویت، حدود ۸۰۰ حلقه چاه در آتش سوخت و حدود ۸ میلیون بشکه نفت نیز به طور مستقیم، به خلیج فارس ریخته شد و یکی از فاجعه‌های زیست محیطی جهان به وقوع پیوست. هم‌چنین در سال ۱۳۷۲، کشتی ساخاروف که حامل مقادیر زیادی مواد شیمیایی به مقصد عربستان سعودی بود، دچار آتش‌سوزی گردید و در ۳۰ مایلی جنوب جزیره لاوان غرق شد. در این حادثه بخشی از مواد شیمیایی وارد آب گشت و با توجه به جریان آب، شعاع آلودگی تا آب‌های ساحلی ابوظبی هم کشیده شد.

اکوسیستم این منطقه، پشتوانه استقلال و آینده کشورهای این منطقه است، اما کشورهای خارج از حوزه خلیج فارس و استفاده کننده از نفت این منطقه اهمیتی به حفاظت محیط زیست خلیج فارس نمی‌دهند و تنها به انتقال نفت فکر می‌کنند.

خلیج فارس اساساً دریایی کم‌عمق و فلات قاره است که انواع آبزیان را در خود جای داده است؛ بنابراین صید ماهی و دیگر آبزیان از سال‌های گذشته و بسیار دور از اهمیت بسیار زیادی برای ساکنان این حوزه برخوردار بوده و فراوانی انواع آبزیان در خلیج فارس در تغذیه ساکنان پیرامون آن نقش به‌سزایی داشته است. از سوی دیگر، علاوه بر مسئله تغذیه ساکنان، بسیاری از گونه‌ها جهت صادرات مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمترین آلودگی در خلیج فارس می‌تواند بیشترین صدمه را به حیات این آبزیان وارد نماید. هرچند تقریباً تمامی هشت کشور ساحلی خلیج فارس پس‌مانده‌های مراکز صنعتی و کشاورزی و شهری خود را بدون هیچ تصفیه‌ای به درون خلیج فارس می‌ریزند، ولی با این وصف هنوز بزرگ‌ترین عامل آلودگی این اکوسیستم، نفت می‌باشد. از مرز عربستان تا ورودی خلیج بحرین صخره‌های مرجانی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین نواحی برای تکثیر و تجدید حیات پلانکتون محسوب می‌گردد و صدها گونه دریایی در آن جا زیست می‌کنند، اما به دلیل وجود ابرهای سیاه ناشی از آتش گرفتن هشتصد حلقه چاه، حرارت آب به دلیل کاهش قابل توجه نور تا ۷ درجه سانتیگراد تنزل نموده و همین امر خسارت فراوانی به این ناحیه وارد نموده است.

خلیج فارس در سر راه مهاجرت پرندگان از نیم کره شمالی به نیم کره جنوبی قرار دارد. گونه‌های مختلف پرندگان با جمعیتی حدود ۲۲ میلیون هر ساله در فصل زمستان در حین مهاجرت از خلیج فارس از این منطقه نیز تغذیه می‌کنند. مهاجرت این پرندگان علاوه بر نقشی که در چرخ حیات اکوسیستم خلیج فارس ایفا می‌کند، دارای اهمیت جهانی نیز می‌باشد. این اکوسیستم یکی از نادرترین اکوسیستم‌ها در سطح جهان شمرده می‌شود.

هنگامی که کشورهای صادرکننده نفت این منطقه نسبت به صدور نفت و یا قیمت آن احساس ناامنی می‌نمایند، مواضع جدی و ضربتی در پیش می‌گیرند اما متأسفانه به نظر می‌رسد مسئله محیط زیست خلیج فارس با نوعی سهل‌انگاری روبه‌رو گشته است. آب‌های خلیج فارس به رغم تحمل انواع آلاینده‌ها تاکنون توانسته اهمیت خود را حفظ نماید، اما نمی‌توان انتظار داشت با ادامه این روند این باروری باز هم ادامه یابد.

خطر آلودگی محیط زیست تنها متوجه یک یا دو کشور نخواهد بود، بلکه اگر فاجعه زیست محیطی در این منطقه رخ بدهد تمامی کشورهای منطقه صدمه خواهند دید. دست کم برای کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس این صدمات به علت خرابی و از کار افتادن دستگاه‌های آب شیرین‌کن، به دلیل غلظت بالای آلاینده‌های نفتی، چندین برابر خواهد بود. معمولاً سازمان ملل در گزارش‌های خود در مورد اثرات زیست محیطی جنگ‌ها محافظه‌کاری می‌کند، اما گزارش شورای حکام برنامه محیط زیست ملل متحد (یونپ) در تاریخ ۱۹۹۲ عمق و عظمت فاجعه و نگرانی آژانس‌های سازمان ملل را از پیامدهای زیست محیطی در خلیج فارس نشان داد.

از سوی دیگر، موقعیت خاص بنادر خلیج فارس که روز به روز جمعیت بیشتری را در خود جای می‌دهند، تغییرات عظیم اکوسیستم ساحلی خلیج فارس را موجب می‌گردند. تأثیرپذیری محیط زیست دریایی این منطقه منحصر به فعالیت‌های دریایی و ساحلی نمی‌باشد و تمامی حوزه‌های آبریز منتهی به این دریا را نیز در بر می‌گیرد. این حوزه‌های آبریز در مسیر خود آلودگی‌های بسیاری را وارد خلیج فارس می‌کنند. مناطق ساحلی و بعضی از جزیره‌های خلیج فارس که در چند دهه گذشته خالی از سکنه بودند در حال حاضر با رشد جمعیت روبه‌رو می‌باشند. همین امر آلودگی‌های ناشی از فاضلاب شهری - صنعتی و کشاورزی را به دنبال خواهد داشت. در حال حاضر نیز به علت گرمای حاصله از حرکت ناوهای غول پیکر کشورهای خارجی در خلیج فارس محیط زیست این منطقه با خطر روبه‌رو گردیده است (عزیزی، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

-اشتراکات فرهنگی

جهت ایجاد همگرایی در منطقه بیش از هر چیز باید به اشتراکات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، تاریخی و دینی در منطقه توجه شود. اقدامات مؤثر برای همکاری‌های مشترک در زمینه‌های فوق منجر به ایجاد اعتماد و نهایتاً ظهور یک سیستم منطقه‌ای همگرا خواهد شد. احترام به تاریخ، فرهنگ، نژاد و زبان ملت‌های منطقه که در طول تاریخ نوعاً اشتراکاتی پیدا نموده‌اند و نیز جلوگیری از حرکت‌های خصومت‌آمیز از سوی برخی عوامل که در پی ایجاد اختلاف منطقه‌ای در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی هستند کمک شایانی در مسیر اعتمادسازی خواهد نمود. همانگونه که گفتیم شیعیان، فرقه‌های مختلفی از جمله اثنی عشری، اسماعیلی، زیدیه و... دارند

که بین آنها نقاط افتراقی وجود دارد. اما نقاط مشترک بین آنها نیز کم نیست. برجسته سازی و تبلیغ اشتراکات بین فرقه های شیعه، از جمله اعتقاد به قرآن، سنت پیامبر، خلافت بلافضل امام علی (ع) و اهل بیت (ع) و تکیه بر مفاهیم نهضت عاشورا و...، همه نقاط مشترکی است که می تواند شیعیان را از تعصبات فرقه ای دور سازد و زمینه را برای وحدت و همگرایی فراهم آورد در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس.

- دین مشترک

منطقه خلیج فارس و سرزمین های مجاور آن تجلی گاه و ظهور اسلام در منطقه خاورمیانه به شمار می آید. بنابراین یکی از مهمترین عواملی که می تواند زمینه های وحدت در بین دولت ها و ملت های منطقه خلیج فارس را فراهم آورد و زمینه های همگرایی را تضمین نماید، دین اسلام است. همه کشورهای ساحلی خلیج فارس دارای دین مشترک هستند و همه حکومت های این حوزه پایبندی خود را به اسلام اعلام داشته و لذا مشروعیت خود را از راه دین به دست می آورند. بنابراین یک ایدئولوژی مشترک در میان همه کشورها و جوامع خلیج فارس وجود دارد که اختلافات قومی، قبیله ای، نژادی و حتی جغرافیایی را به رسمیت نمی شناسد و می تواند اساسی ترین و پایدارترین عامل وحدت و همگرایی باشد که این مهم نیازمند توجه بیشتر دولت های ساحلی است. هر چند که تفسیر و قرائت کشورهای مذکور بخصوص ایران و عربستان از مفاهیم دین اسلام گاه متفاوت است، اما در عمل شیعیان و سنی ها با مفاهیم وحدت بخش اسلام به صورت مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی می کنند. رفع سوءظن ها و تنش ها، پرهیز از فرقه گرایی، احترام به اقلیتهای شیعه و سنی و در یک کلام پذیرفتن تساوی بین هم، گام های بلندی است که این کشورها برای وحدت بر مبنای دین می توانند بردارند. برای رسیدن به این دستورات عملی ها نقش ایران و عربستان به عنوان دو کشور برجسته و مهم در خلیج فارس ضروری به نظر می رسد، چرا که تفاهم و نزدیکی این دو کشور با توجه به پارامترهای ذکر شده در حل اختلافات و سوء تفاهمات کمک کننده و راهبردی به نظر می رسد و می تواند همراهی دیگر کشورهای ساحلی را در پی داشته باشد. بنابراین با توجه به این فاکتور برجسته و الهام بخش، دولت های مذکور باید سیاست های خود را حول مفاهیم وحدت بخش تنظیم نموده و از سیاست های تفرقه افکنانه در روابط پیش رو بپرهیزند (کرمی، ۱۳۹۱: ۱)

- مذهب و گردشگری

گردشگری وسیله ای است که افراد را با مذاهب و فرهنگ های متفاوت به یکدیگر پیوند می دهد و به آنها کمک می کند تا همدیگر را با وجود تنش های سیاسی و اجتماعی، بهتر درک کنند. از نظر سازمان جهانی جهانگردی، مذهب به عنوان یکی از اصلی ترین انگیزه های سفر شناخته شده است.

از نمونه سفرهای مذهبی می‌توان به روز جهانی جوان اشاره کرد که به ابتکار واتیکان برای قوی تر کردن باورهای دینی در بین جوانان کاتولیک به صورت جهانی برگزار می‌شود. این سفر، یکی از بزرگ‌ترین آیین‌های مذهبی برای جوانان دنیا است و به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۵ که در آلمان برگزار شد، بیش از ۴۳۵ هزار زائر از ۱۹۷ کشور در این مراسم مذهبی شرکت کردند.

در اسلام نیز، آیین حج به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراسم مذهبی جهان سالانه بیش از ۲ میلیون زائر را در شهر مکه گردهم می‌آورد. پیش‌بینی می‌شود که گردشگری مذهبی عربستان سعودی در دهه آینده، هر ساله از رشدی ۲۰ درصدی بهره‌برد و تا سال ۲۰۲۰، تعداد ۴۳/۲ میلیون نفر از شهرهای مکه و مدینه دیدن کنند که این امر، مستلزم ۵۰ هزار اتاق اضافی در هتل‌ها و ۷۴ هزار واحد مبله در این مناطق خواهد بود. (چالی، ۱۳۸۹: ۵)

گردشگری به عنوان یک عامل همگرا این امکان را به وجود می‌آورد که کشورهای یک منطقه از توانمندی‌های گردشگری یکدیگر با همکاری مشترک بهره‌گیری نمایند از مهمترین جنبه‌های گردشگری در کشورهای اسلامی گردشگری مذهبی است. این نوع جهانگردی یکی از رایج‌ترین اشکال جهانگردی در سراسر جهان است. جاذبه‌های مذهبی، زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسه هر ساله تعداد زیادی از جهانگردان را به سوی خود جلب می‌کنند. تأسیسات اقامتی و پذیرایی این نوع از جهانگردی مانند مسافرخانه‌ها و زائرسراها با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی و عقیدتی جهانگردان دارای ویژگی‌های خاص خود است که در هر کشوری از تنوع بسیاری برخوردار است (رضوانی، ۱۳۶: ۱۹). امروزه دولت‌های مختلف دنیا سعی دارند جهانگردی را هر چه بیشتر در سطح ملی و در مقیاس بین‌المللی توسعه دهند. هر ساله عده کثیری برای حضور در کنگره‌ها، مراسم‌های مذهب (حج) و یا تفریح و گردش از کشوری به کشورهای دیگر مسافرت می‌کنند. این مسافرت‌ها علاوه بر اینکه فرصتی برای همکاری‌های بین کشورها ایجاد می‌نماید، تصویری از کشورهای مربوطه را به دنیای خارج منعکس می‌سازد البته منظور این نیست که توریسم مذهبی - زیارتی فقط مخصوص مسلمانان و کشورهای اسلامی است، این نوع گردشگری، زیارت در تمام ادیان و مذاهب را شامل می‌شود. در کشورهای اسلامی نیز جاذبه‌های دیگر گردشگری، جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، طبیعی و انسان‌ساخت وجود دارد و گردشگران مسلمان هم با انگیزه‌های به جز زیارت سفر می‌کنند. ولی در بیشتر این کشورها جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی مربوط به ورود اسلام و ترویج آن است. بنابراین هر چه ارتباطات در زمینه حمل و نقل، گردشگری، مراودات پستی، تجارت، مهاجرت و... بیشتر باشد، این جوامع بیشتر به هم نزدیک‌تر می‌شوند و به جای منازعه به همکاری روی می‌آورند و جوامع امنیتی را تشکیل می‌دهند. بنابراین یکی از مهم‌ترین ارتباطات در قرن بیستم به بعد مسلماً گردشگری بوده و با گسترش آن در صورتی که با برنامه‌ریزی دقیق و عقولانه شکل گیرد همگرایی به ثمر می‌رسد. (کاظمی زاده، ۱۳۸۹: ۶). به عنوان

مثال شیعیان دو کشور ایران و عراق (دو کشوری که دارای اکثریت جمعیت شیعه و حکومت شیعی هستند) همیشه ارتباط تنگاتنگی داشته اند، مهمترین علت این امر مسئله اماکن مقدسه شیعیان در عراق می باشد. چهار شهر نجف، کاظمین، کربلا و سامرا مدفن ائمه شیعیان است که باعث شده دیگر شیعیان برای زیارت از این اماکن مقدس به این کشور سفر کنند و همین امر موجب ارتباط بیشتر شیعیان بوده است.

مرکز سیاسی - فرهنگی شیعیان در عراق شهر نجف می باشد، به دلیل وجود بارگاه امام علی (ع) و همچنین اینکه مقر مراجع بزرگ شیعیان بوده واز همین شهر حاکمیت روحانی خود را بر شیعیان عراق و سراسر نقاط جهان که دارای ساکنان شیعه هستند اعمال میکند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۴۲).

- عوامل اقتصادی

برای توسعه و ترقی یک منطقه از عوامل اصلی و پیوند میان کشورها، اقتصاد و سطح اقتصادی و مالی بسیار پیشرفته با شبکه‌ای روابط اقتصادی، تجاری، بازرگانی است. در واقع اقتصاد و بازارهای اقتصادی زیربنای یک همگرایی سیاسی را ایجاد می‌کند. در منطقه خلیج فارس که منبع سرشار نفت و گاز، یک تحول اقتصادی در درآمد سرانه کشورهای منطقه ایجاد کرده است. زمینه لازم را از نظر درآمدهای مالی و پولی و سرمایه‌گذاری تجاری در منطقه به همراه آورده است. این منطقه متمایز، با محیط مشترک، بهترین فرصت را برای همکاری ملل ساحلی با یکدیگر به منظور ایجاد یک گروه‌بندی اقتصادی فراهم آورده است. این گروه‌بندی برای بقای اقتصادی کشورهای منطقه در جهان ژئوپلیتیک چندقطبی در حال ظهور که میل به اقتصاد دارد حیاتی است. وجوه تشابه و دغدغه‌های اقتصادی و موضوعات استراتژیک مربوطه، در کنار اهمیت جهانی منطقه با ظرفیت تولیدی بالای آن برای تولید و صدور نفت و گاز، و با روابط تجاری گسترده آن با تمام گروه‌بندی‌های اقتصادی جهان، فرصت منحصر بفردی برای ایجاد این گروه‌بندی اقتصادی بوجود آمده است، که نباید آنرا از دست داد. (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۴۲) منطقه مورد نظر ما (خلیج فارس) از جمله مناطقی است که اقتصاد آن با اوضاع سیاسی - امنیتی، اجتماعی و فرهنگی به یکدیگر گره خورده است؛ زیرا محور اقتصادی این منطقه را اکنون «نفت» تشکیل می‌دهد که عمدتاً در کشتی‌های اقیانوس‌پیما و گول‌پیکر بر روی آب‌های خلیج فارس روان است. لذا، به تدبیر و امنیتی ویژه برای ارسال و ایصال آن به مقصد نیاز می‌باشد.

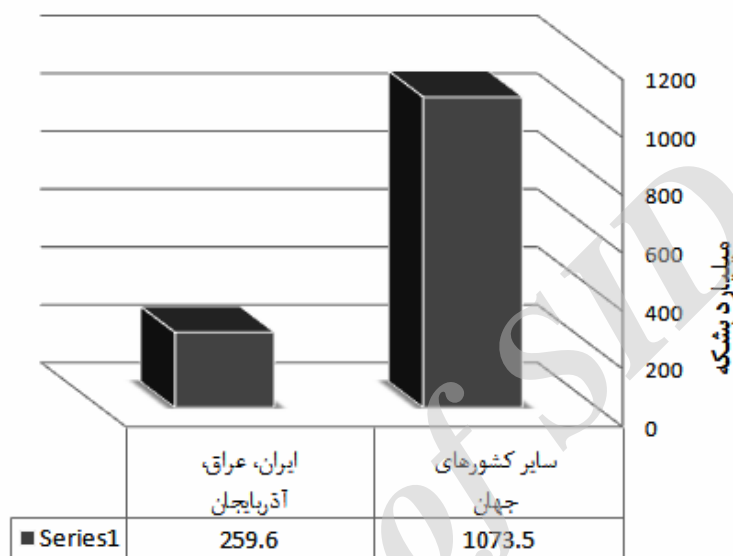
اگر می‌بینیم در دهه آخر قرن بیستم، چیزی به عنوان «جنگ نفت» در خلیج فارس مشاهده می‌شود و حتی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و حضور آمریکا و متحدانش به بهانه‌های مختلف در منطقه و بسیاری از عوامل دیگر، همه برای ایجاد امنیت به منظور بردن نفت می‌باشد.

در هر صورت، می‌خواهیم بگوییم نگرانی صرفاً از یک طرف نیست یعنی فقط خریداران نیستند که نگران بر هم خوردن امنیت منطقه هستند، بلکه فروشندگان بیشتر نگران این مسأله‌اند. اگر چنین است به منظور دستیابی به امنیتی تضمین شده، حتی برای زمان پس از نفت نیز بهترین اقدام، گرایش به همگرایی است. با توسل به همگرایی می‌توان نفت را تا مقصد محافظت کرد و به قیمت عادلانه به فروش رسانید (محرابی، ۱۳۸۹:۱۷)

-در اختیار داشتن ذخایر عظیم هیدروکربنی

به لحاظ ارتباط تنگاتنگ انرژی با زندگی روزمره مردم و جوامع و نیز حیات کشورها و دولت‌ها است که انرژی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی نقش تعیین کننده‌ای پیدا نموده است و الگوهایی از رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، همگرایی و واگرایی را در عرصه بین‌الملل و روابط بین کشورها و دولت‌ها شکل داده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳-۱۰۲). در این میان کشورها و جوامع شیعی به دلیل در اختیار داشتن ذخایر عظیم انرژی فسیلی مخصوصاً نفت و گاز و همچنین قرارگیری در مسیرهای ترانزیت انرژی از بازیگران اصلی ژئوپلیتیک انرژی محسوب می‌شوند و با توجه به پتانسیل این کشورها در زمینه انرژی فسیلی این نقش در آینده پر رنگ تر خواهد شد. در حال حاضر ۳ کشور ایران، عراق و آذربایجان که اکثریت جمعیت آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند به ترتیب با ۱۰.۳، ۸.۶ و ۵. درصد از کل ذخایر کشف شده نفتی جهان و روی هم رفته نزدیک به ۲۰ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارند. علاوه بر این با سقف تولید فعلی، ذخایر نفتی ایران در حدود ۹۰ سال و ذخایر نفتی عراق بیش از ۱۰۰ سال قابلیت تولید و برداشت را دارد. همچنین از نظر میزان تولید؛ تولید نفت ایران ۵.۳ عراق ۳.۲ و آذربایجان ۱.۳ درصد از کل تولید نفت جهان را در اختیار دارند (BP Statistical Review of World Energy)

نمودار ۱-۱- میزان ذخایر نفتی کشورهای شیعی نسبت به سایر کشورهای جهان



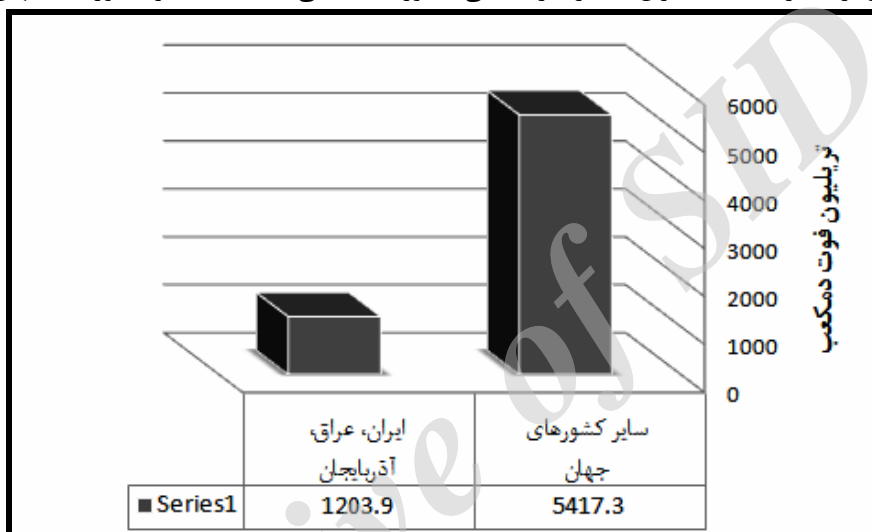
Source: www.BP Statistical Review of World Energy June 2014

از نظر میزان ذخایر گاز طبیعی نیز کشورهای شیعی وضعیت مناسبی را دارا می باشند به طوری که ایران با حدود ۱۶ درصد از کل ذخایر گازی دنیا بعد از روسیه بیشترین ذخایر گازی را در سطح جهان در اختیار دارد. عراق نیز با ۱.۷ درصد و آذربایجان ۰.۷ درصد از ذخایر گازی جهان را در اختیار دارند که با این میزان تولید فعلی میزان ذخایر گازی ایران و عراق بیش از ۱۰۰ دوام خواهد داشت. (همان)

علاوه بر این جمعیت های شیعی به صورت اکثریت یا اقلیت در مناطق نفت خیز کشورهای خلیج فارس سکونت دارند به طوری که مناطق جنوبی عراق که شیعیان در آن سکونت دارند غنی ترین ذخایر نفت و گاز کشور را به خود اختصاص داده است (Issawi, 1962: 25) میدان نفتی برزکان در استان میسان (العماره)، میدان نفتی غرب قرنه، میدان نفتی رمله شمالی در بصره، میدان های نفتی نهر عمر و الحسین هر دو در غرب بصره و میدان نفتی مجنون در مرز العماره، برخی از مهمترین میدان های نفتی این منطقه هستند. براساس برآوردهای کارشناسان وزارت نفت عراق، ذخایر نفتی میدان مجنون بین ده تا سی میلیارد بشکه و ذخایر نفتی میدان واقع در غرب قرنه پانزده میلیارد بشکه برآورد شده است (معروف، ۱۹۷۷: ۹۶) همچنین با وجود در اقلیت بودن شیعیان در عربستان،

سکونت آنان در ناحیه استراتژیک و میادین نفتی قوار، قطیف و احساء جایگاه برتری به آنان داده‌است. در مجموع ۶۵ درصد از جمعیت منطقه خلیج فارس که بیش از ۶۳ درصد از ذخایر نفتی جهان در آن واقع شده است را شیعیان تشکیل می‌دهد.

نمودار شماره ۱-۲-: میزان ذخایر گاز طبیعی کشورهای شیعی نسبت به سایر کشورهای جهان



Statistical Review of World Energy June 2014

Source: www.bp.com

اهمیت منابع انرژی در دو منطقه خلیج فارس و دریای خزر که اکثریت کشورها و جمعیت شیعیان در آن حضور دارند موجب شکل‌گیری مفهوم بیضی استراتژیک انرژی شده است. به اعتقاد کارشناسان حدود ۷۰ درصد ذخایر ثابت شده جهانی نفت و بیش از ۴۰ درصد از منابع گاز طبیعی در این منطقه قرار دارد. آنچه ارتباط خاصی با این مسئله دارد نیازمندیهای انرژی روبه‌رشد آسیا از جمله کشورهای چین، هند و جنوب شرقی آسیا است و این واقعیت که همه آنها مجبورند با اروپا و آمریکای شمالی برای دسترسی به منابع انرژی این منطقه رقابت نمایند (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۴). کشورها و جوامع شیعه همچنین به دلیل موقعیت جغرافیایی در زمینه ترانزیت انرژی به اروپا، شبه قاره و شرق دور از جایگاه چشمگیری برخوردار هستند.

نقشه ۱: موقعیت کشورها و جوامع شیعی در بیضی استراتژیک انرژی



(مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۲۸۴)

- منافع مشترک

منطقه خلیج فارس همواره به عنوان یکی از مناطق مهم امنیتی، راهبردی و اقتصادی در نظام بین الملل از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده، به گونه ای که در طول قرن های اخیر، پیوسته مورد توجه قدرت های بزرگ بخصوص ایالات متحده قرار گرفته است. امروزه منطقه خلیج فارس بعنوان بزرگترین مخزن انرژی

جهان و خاورمیانه، زمینه‌های مشترک بسیاری برای همکاری ساکنانش دارد. عواملی چون ویژگیهای محیطی، ثروت، منابع انسانی و... در این منطقه می‌تواند نقش مکمل داشته باشد.

آنچه در دهه‌های گذشته در این منطقه دیده شده، آمیزه‌ای از تکرورها در سیاست خارجی، انقباض در سیاستهای داخلی، واگرایی در سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و امور منطقه‌ای و تلاش برای برقراری پیوند با یک نیروی فرامنطقه‌ای بوده است. هرچند که جمهوری اسلامی ایران همواره بر این نکته تأکید داشته است که منطقه خلیج فارس باید از دخالت دیگران دور بماند و خود ساکنان منطقه مسایل و مشکلات خود را حل و فصل کنند، ولی این خواست تاکنون تحقق نیافته است. وجود سه فاکتور برجسته یعنی دین مشترک، ژئوپلیتیک مشترک و نفت که بسترهای مناسبی را برای همگرایی و همکاری میان دولت‌های ساحلی فراهم می‌آورد، متأسفانه تحت تأثیر عوامل ثانویه‌ای چون اختلافات مرزی و ارضی، دخالت قدرت‌های جهانی در ترتیبات امنیتی و مناسبات نظامی و فقدان یک نظام امنیتی مبتنی بر همکاری قرار گرفته و شاهد بروز تنش، اختلاف میان کشورهای فوق در طول چهار دهه اخیر بوده ایم. دولت‌های خلیج فارس می‌توانند با طراحی الگوی همگرایی منطقه‌ای و بر مبنای امکانات و مقتضیات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در جهت‌دهی به معادلات این منطقه و ارتقای جایگاه بین‌المللی آن نقش محوری ایفا نمایند. هر چند که مسائلی چون بافت جمعیت، ساختار صنعتی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای حوزه خلیج فارس رسیدن به همگرایی را سخت می‌کند، اما توجه به این سه گزاره تعیین‌کننده که هویت و بقا کشورهای مذکور بدان وابسته است، زمینه‌های خوبی برای رسیدن به همگرایی محقق می‌سازد. پس بر هفت کشور ساحلی خلیج فارس فرض است که به این سه عامل حیاتی و البته مغفول مانده توجه نموده و مناسبات آتی خلیج فارس را حول این سه فاکتور تنظیم نمایند (کرمی، ۱۳۹۱).

نتیجه‌گیری

همگرایی اساس شکل‌گیری جوامع بشری بوده و می‌توان ردپای آن را در نوشته‌های ارسطو و افلاطون و اگوستین قدیس و ابن خلدون و هگل دید. اما همگرایی به عنوان یک تئوری نخستین بار توسط دیوید میترا نی پژهش‌گر انگلیسی در سال‌های بین دو جنگ جهانی مطرح شد. به واقع یکی از عوامل توسعه مناطق و منطقه‌های ژئوپلیتیکی همگرا بودن آنهاست که راه را برای شکوفایی منطقه‌ای و توسعه و بارور کردن پتانسیل‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای باز می‌کند. در این راستا منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس به عنوان یکی از مناطق ژئوپلیتیکی جهان برای رشد و پویایی خود نیاز به تقویت همگرایی دارد. از دید جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک عوامل و عناصر جغرافیایی و به طور خاص مناطق جغرافیایی در رویدادها و فرایندهای سیاسی نقش دارند. یکی از این مناطق

جغرافیایی خلیج فارس است که نقش بی بدیلی را در رویداد های جهانی ایفاء می نماید. این منطقه بنا به علل مختلفی از جمله انرژی، گذرگاه های آبی و استراتژیک و لزوم برقراری امنیت آن برای قدرت های بزرگ، بازار مصرف و... از اهمیت زیادی در معادلات جهانی برخوردار است. به طوری که می توان خلیج فارس را در سرآغاز هزاره سوم بین المللی ترین منطقه دنیا قلمداد کرد. در عصر حاضر این منطقه در طبقه بندی های جدید بر اساس مفاهیم ژئواکونومیک اصلی ترین منطقه تولید انرژی در جهان محسوب می شود و از آن به عنوان تکیه گاهی برای دیگر قلمروهای ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک یاد می کنند. به طور کلی عوامل ایجاد کننده همگرایی در منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را میتوان این عوامل دانست که شامل: مسائل زیست محیطی، عوامل ژئوکالچر، اشتراکات فرهنگی، عوامل اقتصادی، در اختیار داشتن ذخایر عظیم هیدروکربنی دانست. در واقع با تاکید بر این عوامل و تقویت و بکار گیری آنها میتوان زمینه های ایجاد همگرایی را در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس و منطقه ژئوپلیتیکی خلیج فارس افزایش داد و باعث رشد و بارور سازی پتانسیل های توسعه در این منطقه ژئوپلیتیکی شد.

منابع

- اشرف نظری، علی (۱۳۸۷). غرب، هویت و اسلام سیاسی: تصورات و پنداشت های غرب از اسلام، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۱.
- پور موسوی، موسی (۱۳۹۱). نقش محیط زیست در همگرایی های منطقه‌ای؛ مطالعه موردی: خلیج فارس. کیش، هشتمین همایش ملی خلیج فارس، ۱۲-۹ اردیبهشت ۱۳۹۱.
- چالی، مونا (۱۳۸۹). توسعه گردشگری در ایران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ربیعی، حسین (۱۳۸۸). «نقش قدرت منطقه‌ای در حل و فصل اختلاف سرزمینی منطقه خلیج فارس.» رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی به راهنمایی دکتر پیروز مجتهدزاده. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- روادالا، (۱۳۶۴) خلیج فارس در عصر استعمار. ترجمه پروفیسور شفیع آبادی. تهران: سحاب کتاب
- رود باری (۱۳۷۵). شناسنامه کویت. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه.
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۷). ژئوپلیتیک منطقه خلیج فارس (با تاکید بر شیعیان). تهران: چاپ اول.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۷). وحدت جهان اسلام. چشم انداز آینده. تهران: انتشارات شکیب.
- عزیز، یوسف و ملکی، عباس (۱۳۸۹). سقف تولید نفت در جهان، نشریه علمی ترویجی راهبرد یاس، تهران، شماره ۲۴.
- کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌المللی «تجربه جهان سوم» تهران: پیک ایران.
- کاظمی دینان، سید مرتضی (۱۳۸۸). علل خیزش شیعیان حاشیه ی جنوبی خلیج فارس. قم: شیعه شناسی، چاپ اول
- کرمی، کامران (۱۳۹۱). عوامل واگرایی در خلیج فارس: مرکز بین المللی مطالعات صلح. IPSC
- کرمی، کامران (۱۳۹۱). مغفول مانده همگرایی در خلیج فارس: مرکز بین المللی مطالعات صلح. IPSC.
- کمپ، جفری، هارکوی، رابرت (۱۳۸۳). جغرافیای استراتژیک. ترجمه سید مهدی حسینی متین.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹). ایده های ژئوپلیتیک و واقعیت های ایرانی. تهران: نشر نی.
- محرایی، علیرضا (۱۳۸۹). خلیج فارس زیربنای اتحاد ژئوپولی اکونومیک جهان اسلام در قرن بیست یکم. چهارمین کنگره جغرافیدانان جهان اسلام، ایران: زاهدان، ۲۷-۲۵ فروردین ۱۳۸۹.
- معروف، هوشیار (۱۹۷۷). الاقتصاد العراقي بين التبعية و الاستقلال، دراسة فی العلاقات الاقتصادية الدولية العراق. منشورات وزارة الاعلام. الجمهورية العراقية

- محمدی، یدالله (۱۳۷۱). بررسی ابعاد همگرایی در منطقه خلیج فارس. مجله مصباح تابستان ۷۱. شماره ۲.
- وثوقی، محمد باقر (۱۳۸۴). تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار. تهران: انتشارات سمت.
- وضعیت محیط زیست دریایی خلیج فارس (محدوده دریایی راپمی) (۱۳۸۲) ترجمه دکتر سید محمد رضا فاطمی با همکاری دکتر سید محمد سعید طباطبایی. تهران: دفتر محیط زیست دریایی خلیج فارس.
- Chilcote, Ronald (1981) *Comparative Politics*. the Search for a Paradigm. Westview Press, Boulder, Colorado, 1981.
- Dougherty, James and Pfaltzgraff, Robert (1971). *Contending Theories in International Relations*. Philadelphia. J.B Lippincott Company, 1971.
- Issawi Charles and Yeganeh Mohammad (1962) *the Economics of middle Eastern*, New York.
- <http://www.Bpstatistical> Review of World Energy.

Archive of SID